

رکنی زاده، معاون پژوهشی دانشگاه اصفهان و دوست نزدیک شهید فخری زاده از ابعاد مختلف شخصیت و فعالیت شهید روایت می کند

موفقیت شهید فخری زاده به دلیل نگاه عارفانه اش به زندگی و هستی بود

پیام اصلی فخری زاده برای جوانان این است که ارزشمند بودن مهم تر از موفق بودن است



عصر نخستین جمعه آذرماه ۹۹، رسانه‌ها از ترور یک شخصیت علمی دیگر در ایران خبر دادند. فردی که بیش از آنکه در داخل کشور از او نام و نشانی شنیده شده باشد، رسانه‌های خارجی از او صحبت کرده بودند. محسن فخری زاده‌مهابادی، دانشمند هسته‌ای کشور هدف ترور قرار گرفت و در پی عملیات تروریستی آسبرد به شهادت رسید. همزمان با ایام چهلمین روز شهادت این استاد فرزانه، اعضای جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان در گفت‌وگو با یکی از دوستان نزدیک این شهید، ابعاد مختلفی از شخصیت و فعالیت‌های او را مورد بررسی قرار دادند. رسول رکنی زاده، استاد فیزیک دانشگاه اصفهان و معاون پژوهشی این دانشگاه در این گفت‌وگو از ویژگی‌های مختلف این دانشمند هسته‌ای یاد کرده که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

کلیاتی از زندگی شهید فخری زاده بگویید. شما چگونه با ایشان آشنا شدید؟

با شهید فخری زاده در سپاه آشنا شدم. از سال ۱۳۶۵ هر دو عضو وزارت سپاه بودیم. البته حداقل شهید فخری زاده قبل از آن هم عضو سپاه بود. از سال ۶۵-۶۶ وارد سپاه شدم و با ایشان تقریباً در یک مجموعه کار می‌کردیم تا دورانی که از آن مجموعه بیرون آمدم و وارد بخش دیگری از وزارت دفاع شدم. در دانشگاه صنعتی مالک اشتر، حوزه معاونت آموزشی آنجا را داشتم، مدتی به خارج از کشور رفتم و بعد از آن هم به دانشگاه اصفهان آمدم. در طول این دوران ارتباط دوستانه ما حفظ بود و همدیگر را می‌دیدیم و علاقت مشترک برای حوزه‌های علوم انسانی به‌خصوص فلسفه داشتیم.

تحصیلات دانشگاهی شهید فخری زاده چه بود؟

در مقطع لیسانس در دانشگاه شهیدبهشتی رشته فیزیک و فوق لیسانس در دانشگاه صنعتی اصفهان بازن فیزیک خواندم و بعد از فوق لیسانس که ما از هم جدا شدیم و به‌دنبال تحصیل آمدم، ایشان در مدیریت بخش پژوهش‌های نوآوری دفاعی یا پژوهش‌های نوین دفاعی سازمان سپند ماندگار شد. این اواخر که تقریباً ۶ یا هفت سال پیش است، تصمیم گرفت فرصت این را داشته باشد که به دانشگاه برگردد. وارد مقطع دکتری شد و دکتری فیزیک خواند که آن را نه فقط از نظر اینکه نیاز داشت، بلکه از نظر علمی بیشتر از خیلی از دکتره‌های دانست و کار حرفه‌ای بلد بود. بیشتر به‌خاطر اینکه برایش دکتری یک مجوز بود تا یک‌سری تجربیات را به دانشگاه‌ها انتقال دهد؛ در واقع یکی از ویژگی‌های مقطع دکتری این است که این فرصت را ایجاد می‌کند. این بود که برای این اواخر دوره دکتری را شروع کرد.

شهید چه مسئولیت‌هایی را تجربه کرد؟

عمده مسئولیت فخری زاده در این دوران «بنیانگذار اسپند بود. در مرکز پژوهش‌ها و نوآوری دفاعی و پژوهش‌های نوین دفاعی، روی فناوری‌های نوینی که سیستم به آن نیاز داشت، کار می‌کرد. البته قبل از آن مدیریت گروه فیزیک در دانشگاه امام حسین (ع) را برعهده داشت و کار تدریس را در مقاطع مختلف انجام می‌داد. بعد از آنجا سازمان سپند را ایجاد کرد و در آنجا فرصت‌هایی ایجاد شد که یک‌سری متدجدید را از تحقیقات دفاعی شروع کند و مطالعات دفاعی و پروژه‌های دفاعی را پیش ببرد.

در زمینه علوم انسانی و فلسفه هم فعال بودند؟

بله، تقریباً از همان دوره دانشجویی که لیسانس بودیم، این مشخصه را داشت. البته کسانی هستند که درس آن را می‌خوانند. شهید فخری زاده خیلی عمیق به فیزیک نگاه می‌کرد؛ مثلاً دنبال بنیادها و یادگیری عمیق بود، لذا از همان دوران ذوق و علاقه به ادبیات و فلسفه را داشت. ادبیات را بسیار عالی می‌دانست، به‌خصوص حافظ را بسیار بسیار عمیق می‌شناخت. برای فلسفه، فکری داشت که این فکر را بعداً هادر سازمان سپند هم به کار برد. حتی سازمان سپندی که برای مسائل تکنولوژی‌های دفاعی بود توانست این بخش را جابجیانند. مرکز اندیشه‌های علوم انسانی برای پیشبرد اهداف دفاعی بود که آن حوزه دانش‌های بنیادین را تحت چنین عنوانی راه‌اندازی کرد. به‌طور کامل‌ا مرتب و هفتگی جلساتی با حضور دانشگاهیان و اساتید دانشگاه برای سخنرانی در آن مجموعه‌ها برگزار می‌شد و هدف گیری اصلی همین فکر و اندیشه علمی مستقل بود که در آنجا نیاز به یک اندیشه فلسفی مستقل داشت، لذا به‌دنبال این بود که با توجه به میراث فرهنگی، فلسفی، اسلامی و ایرانی بر پایه‌های آنها بتوانند نگاه تازه‌ای را به حوزه‌های علوم و تکنولوژی داشته باشد. وجود آن ذوق ابتدایی، بعداً سازماندهی شد و در سازمان سپند ادامه پیدا کرد.

چطور شهید فخری زاده و جهان بینی ایشان را بشناسیم؟

شخصیت‌هایی مثل شهید فخری زاده آدم‌های کم‌نظیری هستند. مثل این است که ابر و باد و مه و خورشید و فلک در این کشور جمع شدند تا آدم‌های شبیه به این تولید شوند. این طور نیست که برنامه‌ریزی کرد تا آدم‌هایی شبیه به این‌ها تولید کرد. این یک فرآیند است؛ فرآیندی که مجموعه‌اش این می‌شود. مثلاً آدمی زمانی که جنگ است به جبهه می‌رود، زمانی که کشور نیاز به تقویت بنیه دفاعی دارد می‌آید می‌ایستد و در زمینه بنیه دفاعی کار می‌کند، زمانی که مدیریت علمی نیاز دارد مدیریت علمی می‌کند؛ اینکه یک آدمی همیشه احساس کند رسالت دارد. چیزی که به تعبیر مغرب‌زمینی‌ها یک موشن فرق دارد، ما موشن نیست، رسالت است. به‌دنبال این رسالت می‌گردد و هر وقت کاری به او ارجاع می‌شود، سعی می‌کند به‌ترین نحو انجام دهد. یک رزمنده بسیجی می‌توانست در جبهه‌های جنگ به شهادت برسد و حذف شود و در یک مقطعی کنار برود، ولی زمانی که کارهای تحقیقاتی را شروع می‌کند، یکی از بی‌نظیرترین تکررویست‌های هسته‌ای ایران می‌شود؛ یعنی به‌تعبیر استاد مشترک‌مان مرحوم دکتر کوهی در این زمینه نظیر ندارد و حالا خود این آدم هم شخصیت غول آسایی در این مسائل بود. مثل این آدم در کشور نداریم، چرا؟ چون کاری به آن سپردند و آزمایشگاهی را در اختیارش قرار دادند و این طور هم نبود که تمام اطلاعات کافی، در این حوزه‌ها را داشته باشد. تمامی آن را با مطالعه و دیدن کاتالوگ‌ها انجام می‌داد، فضای آزمایشگاهش دوسه برابر این مکان و سرد بود. در کشور فضایی وجود دارد که ه‌روقت کسی کاری انجام می‌دهد، نام او را در بوق و کرنا می‌کنند، اما افرادی که در حوزه‌های دفاعی کار می‌کنند معمولاً اسم و رسم ندارند. شهید فخری زاده کار استرس‌کویی سیستم‌های هسته‌ای را یاد گرفت و وقتی بسیار با قدرت می‌شنیدند در پوزیشن، تا انتها می‌رود. در هر سازمانی که ایجاد شد مدیریت آن سازمان را قبول کرد. آن سازمان از هیچ شروع شد و به سطح بسیار پیشرفته از تکنولوژی دست پیدا کرد؛ یعنی به همه حوزه‌هایی که ممکن بود دچار مشکل بشویم، رسید. کشورهایی نظیر ایران که در تاریخ خود به‌طور دائمی در معرض حمله دشمن بودند، باید از نظر بنیه دفاعی قوی باشند، هیچ راهی هم نیست. اگر یک روز حمله نظامی هسته‌ای شود، باید بتوانیم چطور دفاع کنیم. بحث برسر این است که اگر حمله کردند، چطور از مردمان مان دفاع کنیم. مثلاً چطور باید از حملات میکروبی دفاع کرد، چطور می‌توان در مقابل حملات شیمیایی، شیمیایی درست کنیم و به مردم بدهیم که این به مطالعات خیلی خیلی پیشرفته نیاز دارد. لذا شهید فخری زاده بخش پدافندهای پیشرفته در سازمان را دنبال می‌کرد تا بتواند از کشور و مردمی که در معرض مواجهه با

حملات بودند، مراقبت کند. خب اینها را چه کسی باید انجام می‌داد؟ آنجا بود که اینها شروع به کار کردند و عمیقاً به این مسائل پرداختند و الان می‌بینید که کووید ۱۹ می‌آید، بلافاصله اینها می‌توانند وارد شوند و توان آن را دارند که بتوانند برای تشخیص وارد بشوند، چرا؟ چون بیشتر مطالعات را انجام می‌دادند و این اتفاق که می‌افتد، بلافاصله می‌توانند روی واکسن و کیت تشخیص کار کنند. این مساله باید بتواند برای جوانان ما الگو شود. پیام اصلی که افرادی شبیه فخری زاده برای جوانان دارند این است که ارزشمند بودن مهم‌تر از موفق بودن است. موفق بودن یعنی اینکه بتوانیم گلیم خود را از آب بیرون بکشیم، ولی ارزشمند بودن این است که مردم از تو بهره ببرند. در زندگی اگر ارزشمند باشی، موفق هم هستی، اما اگر موفق باشی، ضرورتاً ارزشمند نیستی.

این نگاه چگونه در شهید فخری زاده پدید آمد؟

این نگاه فراتر از نگاه‌های اجتماعی است که به آن داریم. در نگاه اجتماعی دائماً به‌دنبال بیرون از خود برای درک رسالت‌هایمان هستیم. در نگاه‌هایی که می‌گویم، نگاه فراسویی مفاهیم معمول اجتماعی است. انسان این کار را از درون خود می‌فهمد که چه‌طور می‌شود فهمید و در کرد؟ زمانی که شما باور کنید خدای شما دیگری است. آنچه را که در فکر شیعه است باطن گرایی و باطنی نگاه کردن یعنی صورت ظاهر را ندیدن است؛ آن وقت است که شما در معرض آن کار پی در پی قرار می‌گیرید و فرصت‌هایی را پیدا می‌کنید که واقعاً انسان‌های دیگر این فرصت‌ها را نداشتند، به همین خاطر می‌گویم ابر و باد و مه و خورشید و فلک جمع شدند تا چهره‌ای مثل شهید فخری زاده ساخته شود و آن به‌دلیل نگاه عارفانه‌اش به زندگی و هستی بود. شاید در کلدی‌های پخش شده از ایشان زیاد دیده باشید. الان بعضی جملاتش را می‌گویند که چقدر منتظر شهادت بود. بعد از شهادت شهید قاسم سلیمانی، وقتی این شعر زیبای حافظ را که «چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی، آن شب قدر که این تازه براتم دادند» را می‌خواند، می‌فهمیم که منتظر شب قدری تازه‌ای است که برایش به‌وجود بیاید. به‌طور طبیعی این نگاه سبب می‌شود که بتواند رسالتش را تشخیص دهد.

اشاره کردید که ایشان وارد حوزه ادبیات و فلسفه شدند، اما در فضای فعلی دانشگاه‌ها دانشجویان صرفاً درس خود را می‌خوانند که متخصص بشوند و صرفاً یک بعد را گرفته‌اند و جلوی روند.

این ضعف بزرگ نظام آکادمی در عصر حاضر است، حتی به اصطلاح می‌توان به آن نهادگرایی گفت. دانشگاه به نهاد‌های مستقل از هم انتقال می‌دهد؛ اما ریشه‌های علم این طور نبوده است. وقتی سابقه اندیشه را در حوزه اسلامی یا قبل تر در حوزه یونانی می‌خوانید، می‌بینید انسان‌های فرهیخته با همه چیز آشنا بودند؛ یعنی آثار ارسطو را می‌بینید که از فیزیک تا ماتماتفیزیک در آن هست. همه را با هم می‌خواندند و دانشجویانش هم این طور تربیت می‌شدند. نگاه افلاطون هم حکیمانه نبوده است. در فرهنگ شرقی به شخصیتی مثل خواجهمصیر طوسی می‌رسیم که اصلاً این انسان شگفت‌انگیز است، در تعداد رصدخانه در ایران در حوزه فیزیک شگفت‌انگیز است. اگر بگوییم علم نجوم، فیزیک ایجاد می‌کند و در سیاست قدرت و قوی قدر ترتمند بوده و در فلسفه تجدیدال اعتقاد می‌نوسد و در علم کلام هم همین طور، تسلط به اینها در نهاد ساختن انسان و تربیت آدم‌ها است. زمانی که دانشگاه تهران را راه‌اندازی می‌کنیم و اصلاً به اینکه ما سنت آموزشی هراس‌ساله به‌نام حوزه‌های علمیه داریم نگاه نمی‌کنیم و نهاد‌هایی که بدون توجه به اینکه ریشه‌های ما کجاست می‌سازیم، به دلیل اینکه ریشه‌هایشان را نمی‌شناسیم، ساختمان‌ها را با اسامی مختلف از جمله ساختمان فیزیک و ساختمان پزشکی نامگذاری می‌کنیم. اگر نگاه کنید حتی در آن سال‌های اول هم پزشکان ما حتی دانشکده پزشکی را تاحدودی وابستگی‌اش به آن سنت‌های قدیمی بود؛ یعنی هم جامعیت داشت و هم از ادبیات یعنی از نوشتن، از قلم دست گرفتن و از نگاه‌های مدیریت سرتی سر در می‌آوردند. ولی بعدها که جلو آمدیم، این تخصص گرایی خیلی ما را از هم دور کرد. این معضل بزرگی بود که اتفاق افتاد. امروزه می‌توان به‌چهاره این توصیه‌ا کرد که اگر هستی کتابی باشد که ما هر کدام یک فصل بخوانیم، آن فرهیختگی نمی‌آورد، مگر اینکه به فصول دیگر هم نگاه کنیم. در سال‌های اخیر حتی دانشگاه‌های بزرگ دنیا هم این مسیر را می‌روند و دانشجویان بدو ورود با رشته‌های مختلف آشنا می‌شود. حتی مهندس باید مقدار زیادی از مباحث علوم را بخواند. بعد از انقلاب دروس معارف اسلامی وارد درس‌های دانشگاهی شد؛ یعنی واحدهای معارف و فارسی و دروس دیگر می‌خوانند. این خوب است، اما باید برایش برنامه‌های جدی‌تری گذاشت. چاره‌برشته‌های دیگر توجه نداریم، درحالی که در برنامه‌های دیگر نسبتاً اجبار وجود دارد؟ چرا آدم‌ها فرهیختگی پیدا نمی‌کنند؟ دلایلش این است که شما نمی‌خواهید در عرصه صنعت و تحول آوری پیشرو باشید. در جوامعی که می‌خواهند پیشرو باشند از این شاخه‌های یعنی فلسفه، مدیریت، حقوق، جامعه‌شناسی و روانشناسی استفاده می‌کنند. چاره‌ای اینها توجه نمی‌شود؟ چون اصلاً تولیدکننده نیست. از یک سازمان دیگر به‌صورت تقلیدی به جامعه‌تان تزریق می‌کنید و دیگر به چیزی نیاز ندارید؛ اینکه وسیع‌تر از سطحی، مثلاً سطح تکنولوژی و سطح صنعتی به آن نگاه کنید. تکنولوژی یک معنی عام دارد شامل سه بخش صنعتی علمی، سازمان‌مدیریتی و فرهنگ. این سه کنار هم می‌توانند تکنولوژی در عام و پیش‌قراول تکنولوژی را داشته باشد. اگر نه، با دیدگاه‌هایی که در دانشگاه‌های ایران وجود دارد عمدتاً این است که همین مهندسی را بخوانید. اصلاً بقیه دانشکده‌ها هم تعطیل شود، اهمیت ندارد، علوم پایه هم همین است. علوم انسانی مثل بقیه‌ها اصلاً هستی ندارد. مثلاً در رشته‌های علوم انسانی هیچ وقت نشده دانشکده علوم انسانی بگوید بخش فیزیک را تقویت کنیم. ریاست دانشکده مهندسی

تابه حال نیامده نامه بنویسد که برای تقویت آینده و شاخه‌هایی که به آن نیاز داریم باید این رشته‌ها در حوزه بایولوژی و شیمی ایجاد شود تا اینها کمک کنند یا در علوم انسانی بخشی از اندیشه‌های حقوقی حتی مدیریت اقتصادی ایجاد شود، چون نیاز به این مباحث داریم. هیچ وقت چنین حرفی نیست. نیازی ندارند. تا زمانی که این نگاه هست، شما به ایده دانشگاه به‌صورت یک بومی نرسیده‌اید. در حقیقت به یک نهاد تمام نرسیده‌اید. برای تغییر این نگرش به یک چیزی فراتر از رشته‌ها و تخصص‌های خود نیاز دارید. نیاز است که شما تصمیم بگیرید در سطح جهان ارزش آفرین باشید نه به‌صورت پیوسته ارزشی در جهان. وقتی تصمیم می‌گیرید پیش‌قراول شوید به این چیزها نیاز دارید.

این اتفاق در فعالیت شهید فخری زاده چگونه نمود پیدا می‌کند؟

در بحث سیستمی که در شهید فخری زاده وجود دارد. این مساله مهم اتفاق می‌افتد و آنجایی که آدم می‌داند نمی‌تواند در سیستم دفاعی دنباله‌رو باشد ناچار است در یک جاهایی حتما پیشرو باشد. حتما باید دست بالا داشته باشد. نمی‌تواند دائماً پشت آنها حرکت کند. آنجا که متوجه می‌شود نیاز به اندیشه فلسفه مستقل دارد مشخص می‌شود که نیاز دارد تا از این فکر فلسفی مستقل بتواند اندیشه مستقل و تکنولوژی مستقل ایجاد کند تا پیش برود. چون در نقطه‌ای ایستاده که می‌خواهد پیشرو باشد نمی‌خواهد پیوسته باشد. اگر سیستم دفاعی شما عقب‌تر از همه‌جا باشد، همیشه عقب‌تر می‌تواند در سیستم دفاعی برابری کند که به آن بازدارندگی می‌گویند. تا کسی کاری با شما نداشته باشد، امروز اگر در بعضی صنایع دفاعی قوی هستیم و کمتر به ما کار دارند، اگر ضعیف باشیم، قطعاً اذیت بیشتر می‌کنند.

بین مشکلات مختلف داخلی و خارجی، افرادی مثل شهید فخری زاده با انرژی به مسیرشان ادامه می‌دهند و مایوس نمی‌شوند؛ چرا این گونه افراد با قدرت ادامه می‌دهند؟ دانشجو چگونه باید مسیرش را اینچنین ادامه دهد؟

به عنوان توصیه عرض می‌کنم انسان باید امید را مثل سم دید تا به شما می‌گویند این سم است. امروز فضای مجازی را به‌صورت دقیق و حرفه‌ای برای ناامید کردن درست کردند. بخشی را آنها شروع کرده و آدم‌های داخلی همان سم‌ها را دریافت می‌کنند و انتقال می‌دهند. کارهای بزرگی که در کشور انجام شد تمام آنها توسط آدم‌های امیدوار بود. اگر می‌بینید گاهی وقت‌ها ضعف‌ها و نقاط ضعفی وجود دارد که این دلیل خودش همین مشکلی است که با این مساله داریم ما به بیرون از خودمان امید بستیم. امید به این می‌گویند که شما جهان را اخلاقی پدیداند و بگویید که این کاری که امروز می‌کنم فردا ثمر می‌دهد در اندیشه دینی بین امید و آرزو تفکیک قائل می‌شوند. زمانی درک از امید پیدا می‌کنید که در اصل خدا را پیدا کنید. خدا حاکم بر جهان است. انسان‌هایی مثل شهید فخری زاده وقتی با آنها همنشین می‌شوید می‌بینی هر وقت می‌خواهی انسان ربانی را بفهمی همان‌طور که آنها را می‌دیدی یاد خدا می‌افتادی چرا؟ چون در تمام عرصه حیات توجه به این داشت که خدا بر جهان حاکم است نه آمریکا نه کشورهای دیگر نه حاکمیت نه سیاست و حکومت حاکمیت ندارند بلکه خدا حاکم بر جهان است و لذا اگر فعل درست انجام دهم حتما به ثمری می‌رسد. همین‌طور که الان در تاریخ این کار را کرده‌اند .

گفتید که سیستم دانشگاهی به سمت آموزش تک بعدی می‌رود؛ به نظر شما مهم‌ترین تفاوتی که بین دانشجویان دهه‌های ابتدایی انقلاب با زمان فعلی دارند، چیست؟

در گذشته شرایطی وجود داشت، آدم‌ها در آن دوران ناچار بودند در فضای کشور یاد بگیرند چطور می‌بایسته کنند چطور از عقایدشان دفاع کنند. در عصر جدید تمام این جریان به حکومت و دولت سپرده شد، مثلاً رویه‌رو به متاسفانه بیشتر هم شده و این خوب نیست و هرچه اتفاق در زندگی‌مان می‌افتد آنها کار خودشان را می‌کنند، ما کار خودمان را می‌کنیم. بعد از انقلاب از ۴۰ سال پیش بچه‌های دانشجویی مسلمان انقلابی و کسانی که خود را موظف به دسته‌ای از کارهایی می‌دانستند که منجر به تقویت عقایدشان، جامعه‌شان، علم در کشورشان می‌شود وظایفی برای خود احساس می‌کردند. در دوران حاضر تخصصی گرایی را بپانه کردیم. بهانه به اینکه از زیر بار رسالت‌های اجتماعی بتواند شانه‌خالی کنیم.

پس شما امثال شهید فخری زاده را خروجی این سیستم دانشگاهی تنها نمی‌بینید؟

مجموعاً اگر نبود سیستم دانشگاهی، قطعاً چنین سطحی از تخصص پیدا نمی‌شد که بتواند چنین سطحی از مدیریت را داشته باشد. ببینید آن فقط از یکجا دانشگاه نمی‌بوند، دانشگاه را از جای دیگر می‌بندد وقتی می‌خواهد فلسفه بخواند به کتب فلسفی مراجعه می‌کند، وقتی می‌خواهد فیزیک بخواند به فیزیک دانشگاه نگاه می‌کند، دانشگاه به معنی عام یعنی (یونیورسیتی) به کل نگاه می‌کند نه یک رشته. ایشان محصول رشته فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان باشد، نه این طور نیست، محصول فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان، فلسفه دانشگاه ایران، محصول میراث فرهنگ مادر حوزه‌های علمیه هست چون با آنها خیلی هم ارتباط داشت، کار می‌کرد و یاد می‌گرفت بنابراین این شهید فخری زاده به‌خاطر جامعیتش است. اصلاً فقط محصول دانشگاه نیست این طور نبوده محصول دانشگاه و هم چیزهای دیگر که مهم‌ترین آن رسالت اجتماعی است که برای خودش احساس می‌کرد.



منافقه گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس مرکز شاگرد به آدرس: شهرستان شاگرد، شهر سردشت. **موضوع منافقه:** تهیه مصالح و اجاری پروژه ساختمان آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز شاگرد- **مبلغ و نوع تضمین:** هفتصد و پنجاه میلیون ریال و ارز نقدی به شماره حساب ۰۱۰۵۹۳۶۱۳۲۰۰۸ بانسک ملی با ضمانت نامه بانکی با اعتبار حداقل سه ماه. **قیمت فروش اسناد:** پانصد هزار ریال از طریق پرداخت آنلاین وبگاه اینترنتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس به آدرس www.iaubaa.ac.ir **مهلت فروش و عودت اسناد:** ۱۰ روز کاری از تاریخ انتشار آگهی می‌باشد. **محل دریافت اوراق:** به صفحه اصلی تارنمای دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس به آدرس www.iaubaa.ac.ir نموده و در قسمت اطلاعاتیه بعد از مطالعه راهنمای مندرج و پرداخت مبلغ مشخص شده به صورت آنلاین می‌توانید اسناد و مدارک مورد نیاز را دریافت نمایید و تسلیم پاکت؛ دبیرخانه طبقه همکف ساختمان مرکزی هزینه درج آگهی به عهده برنده منافقه می‌باشد. منافقه گذار در ردیوا قبول پیشنهادات اختیار کامل دارد. سایر شرایط مطابق اسناد منافقه می‌باشد. محل انجام موضوع منافقه دانشگاه آزاد اسلامی مرکز هرمز می‌باشد. جهت هماهنگی برای بازدید از محل انجام کار و اخذ توضیح بیشتر در طول مدت آگهی به اداره حقوقی مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۹۱۷۵۷۹۸۹۵۲ -۰۶۷۳۳۶۶۵۱۴ تماس حاصل شود.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس